



۴ صفحه ضمیمه نوجوان روزنامه



شماره ۳۱۴

www.qudsonline.ir

شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۵ | ۱۳ جمادی الاول ۱۴۳۸ | ۱۱ فوریه ۲۰۱۷

قرار ساعت هشت

بالا: روزنامه

بارالها! باران رحمت خود را به شکل گلوله‌های رگبار آسمانی آریخته به
عطر تاریخستان‌های سلام و صلوات نثار آن مرد و خاندانش کن که راه
رسیدن به باغ صبح را پدیدار نشسته‌اند یا شعله جان خویش، بارالها! همچنان
که می‌باری و می‌باری و سست شاله‌های اهل خانه بارانِ رسانی را سبزی
بدنه ما را ز جاری نگاه‌شان در روز سخت، تنگی واز کوتاهی دست‌های
ما بگذر به شفاعت دست‌های بی‌گناه آنان، می‌دانم اینها خواستن بزرگی
نیست وقتی تو در هیچ‌اوازی یا وسعتی نمی‌کنی، وقتی تمام آنچه در
ذهن من است، در دای نمی‌شود از پلک بر هم زدن...

در صفحه اخبار بخوانید

استرس برای
دانش آموزان ممنوع!

از
کارهای

غبار و کوچه و ماه است و شمع و آیینه



به مناسبت سالگرد حمله موشکی متقابل ایران به اماکن رژیم بعث عراق

موشک جواب موشک

امام برای بمباران متقابل
شهرهای عراق چند شرط
گذاشتند:



از سه روز جلوتر باید اعلام می شده که
ایران قصد دارد به کدام مناطق عراق
حمله کند



چهار شهر مذهبی (کربلا، نجف، سامرا و
کاظمین) عراق باید از حمله‌های موشکی
ایران در امان باشند.



ایران هیچ وقت مراکز عمومی شهرها مثل بازار،
بیمارستان و مدارس را نزند و فقط به مراکز دولتی،
نظامی، انبار مهمات و سوخت عراق حمله کند.

شروط امام(ره) برای بمباران شهرهای عراق

امام برای بمباران متقابل شهرهای عراق چند شرط گذاشتند؛ اول اینکه از سه روز جلوتر باید اعلام می‌شد که ایران قصد دارد به کدام مناطق عراق حمله کند. این‌طوری مردم فرصت داشتند شهرها را خالی کنند و بی‌گناهی در این بین آسیب نمی‌دید. دوم اینکه چهارشهر عراق باید از حمله‌های موشکی ایران در امان باشند. آن چهار شهر هم شهرهای مذهبی کربلا، نجف، سامرا و کاظمین بودند. در این چهار شهر مرقد مطهر یکی امامان شیعه است و ایران هرگز نمی‌خواست به بارگاه آن‌ها آسیب بزند.

شرط سوم هم این بود که ایران هیچ‌وقت مراکز عمومی شهرها مثل بازار، بیمارستان و مدارس را نزند و فقط به مراکز دولتی، نظامی، انبار مهمات و سوخت عراق حمله کند. همه این شرط‌ها درحالی بود که عراق به هیچ‌کدام از این قواعد پایبند نبود و بارها مراکز غیرنظامی ما مثل مدارس و بیمارستان‌ها را بمباران می‌کرد و هزاران غیرنظامی را به شهادت می‌رساند.



اخلاق حتی در جنگ

به گفته امیر سرتیپ غلامحسین دربندی از فرماندهان دفاع مقدس، «در هیچ جنگی اخلاق انسانی مثل دفاع مقدس ما رعایت نشده است.» در زمان جنگ هرکس به فکر منافع و پیروز شدن خودش است، طوری که آمریکا با خیال راحت با فشار یک دکمه، با یک بمب اتم شهر هیروشیما را زاپن را با خاک یکسان می‌کند، ۳۸۰ هزار نفر را از بین می‌برد و یک‌بار هم عذرخواهی یا احساس پشیمانی نمی‌کند، درحالی‌که امام خمینی(ره) حتی در آن شرایط حساس هم به فکر درست اجرا شدن دین بودند؛ چیزی که جمهوری اسلامی به‌خاطر آن به‌وجود آمده بود و حدود چهل سال است استوار روی پای خود ایستاده است.



آن روزها یک از شعارهای
که در راهپایه‌ها و مراسم
مختلف توسط مردم سر داده
می‌شد عبارت «موشک جواب
موشک» بود. در واقع مردم از
شرایط ایجاد شده نراحت بودند
و از موشک‌ها که کشور می‌خواستند
پاسخی محکم به تجاوز رژیم
بعث به مناطق مملو
ایران بدهند.

سال ۱۳۶۶، عراق
حمله‌ای موشکی خروش را
افزایش داد و باعث شد مردم
شهرهای بزرگ به حاشیه
شهرها و روستاها بروند. در آن
سال‌ها عراق در طول ۵۰
روز چیزی حدود ۲۰۰ موشک
رویکت شهرهای ایرانی
برفت و ده‌ها ایرانی در این
حمله‌ها کشته شدند.



فرمان حمله متقابل موشکی

امام خمینی(ره) از ابتدا مخالف بمباران شهرهای عراق بود؛ چون ایشان هم فرمانده کل قوا بودند و هم مجتهد. طبق تشخیص ایشان حمله به مردم بی‌گناه عراق در شهرها کار درستی از نظر اخلاق اسلامی نبود، حتی اگر عراق این کار را در قبال ما انجام می‌داد. اما احکام در دین اسلام انعطاف دارند و مجتهد می‌تواند با توجه به اوضاع زمانه برای یک حکم کلی استثناء قایل شود، اتفاقی که در سال ۱۳۶۴ افتاد و عراق کار را به جایی رسانید که امام اجازه بمباران متقابل شهرهای عراق را صادر کردند.

سال ۱۳۶۴ عراق حملات هوایی‌اش را بیشتر کرد و با استفاده از رسانه‌هایش ایران را تهدید کرد که حتی نماز جمعه که جمعیت زیادی از مردم در محل برگزاری نماز جمع می‌شوند را خواهد زد. امام خمینی(ره) در این اوضاع و احوال دستور حمله موشکی متقابل را دادند، اما نه به هر قیمتی، بلکه با شرط و شروطی.



موشک باران شهرها

صدام جنگ را با «جنگ شهری» شروع کرد؛ یعنی به‌جای درگیری در مرزها، خود را به خرمشهر رساند و شروع به تخریب شهر و کشتار مردم کرد. اولین بار سال ۱۳۶۲ بود که عراق در یک عمل غیرانسانی به سمت شهرها و مراکز غیرنظامی ایران موشک انداخت. هروقت ایران در یکی از عملیات‌ها در جبهه‌های جنگ به عراق خسارت وارد می‌کرد، عراق به‌جای پاسخ به نیروهای رزمنده در مناطق عملیاتی، شهرهای بزرگ مرکزی و نیمه‌غربی ایران را هدف موشک قرار می‌داد. موشک‌باران حتی به پایتخت و تهران هم رسید و دهه‌شصتی‌ها تصاویر روشنی از آن روزها به یاد دارند که ناگهان هواپیماهای جنگنده عراقی در آسمان پیدا می‌شدند و گوشه‌ای از شهر با بمباران می‌لرزید. اعلام وضعیت قرمز و پناه‌بردن مردم به پناهگاه‌های زیرزمینی تنها کاری بود که از دست شهرنشینان برمی‌آمد. در دوران جنگ، شهرهای بزرگی مثل تبریز، شیراز، اصفهان، ایلام و کرمانشاه هم مورد اصابت موشک‌های عراق قرار گرفتند.



چرا ایران به عراق موشک نمی‌زد؟

درست است که ایران در آن سال‌ها حتی از نظر تجهیزات نظامی هم تحریم بود و به‌اندازه عراق که از چهار گوشه دنیا حمایت می‌شد، موشک نداشت، اما توانایی این را داشت که با همین تعداد موشک‌هایش به حملات عراق پاسخ بدهد، اما این کار را نمی‌کرد و برای آن هم دلایل منطقی داشت. اول اینکه عراق با حملات موشکی خود به شهرها، مردم غیرنظامی و کودکان بی‌گناه را می‌کشت و این موضوع اصلاً برایش اهمیت نداشت. اما در ایران یک نظام اسلامی روی کار آمده بود که کشتن افراد بی‌گناه را درست نمی‌دانست. در قرآن هم کشتن افراد فقط زمانی مجاز دانسته شده که کسی به ما حمله کند و ما برای دفاع از خود با او بجنگیم. اما مردم عراق از رژیم بعث جدا بودند و کشتن آن‌ها از نظر دین اسلام درست نبود. از طرفی ایران می‌خواست به همه دنیا بفهماند که عراق جنگ را شروع کرده و ایران در حال دفاع است. حالا اگر ایران به سمت عراق موشک می‌انداخت، کشورهای دنیا باور نمی‌کردند که شروع‌کننده جنگ، عراق بوده است.

گشت وگذار در دنیای نرم افزار

آشنایی با یک تقویم ایرانی همه کاره

تسکوک

تسکوک در اصل یک اپلیکیشن تقویم است که علاوه بر داشتن امکانات یک تقویم کامل به همراه مناسبت ها، روش جدیدی برای نمایش برنامه ریزی کارها روی گوشی های هوشمند اندرویدی طراحی کرده است. در این اپلیکیشن تمام یادآوری ها، برنامه ها و رویدادهای شما دور یک ساعت مچی نمایش داده می شوند. برنامه هایی که تنظیم می کنید به صورت دایره ای برای روزهای مختلف یک ماه نمایش داده می شوند و با دوبرابر ضرب زدن روی هر روز می توانید به صفحه برنامه ریزی آن روز وارد شوید. این شیوه کمک می کند کارهایتان را سریع تر برنامه ریزی کنید و مدیریت بهینه تری بر آن ها داشته باشید. همچنین می توانید برای برنامه های خود دسته بندی تعیین کنید، توضیحات متنی و صوتی به آن ها اضافه کنید، زمان هشدار برای آن ها در نظر بگیرید و برنامه های هفتگی و ماهانه خود را تنظیم کنید.

قفل گذاری بروی اپلیکیشن های نصب شده

ES APP LOCKER

شاید در گالری گوشی تان، عکس های خانوادگی دارید که دلتان نخواهد بقیه آن ها را ببینند و یا بازی ای نصب کرده اید که نمی خواهید بقیه وارد آن شوند و امتیازتان را به هم برزنند. ES App Locker نام نرم افزاری است که به شما کمک می کند بروی سایر نرم افزارهای گوشی تان رمز عبور عددی و یا الگو بگذارید و از دسترسی بقیه به آن ها جلوگیری کنید و هر زمان که خواستید این رمز را غیرفعال کنید. محیط ساده و در عین حال امنیت بالای این اپلیکیشن سبب شده تا نسبت به بقیه اپلیکیشن های هم رده خود، یک سروگردن بالاتر باشد.

بند د بچینالی:

سعی کنید از شارژر گوشی های دیگر استفاده نکنید. اگر میزان آمپر کم باشد، گوشی تان دیر شارژ می شود و اگر بیشتر باشد، باتری فشار زیادی را متحمل شده و بیشتر از حد معمول داغ می شود و همه این ها باعث می شود از طول عمر باتری شما، کاسته شود.

با تمام این مزیت ها، چیزی که شاید همیشه در دسرساز باشد این است که از فایل PDF نمی توان متن را به خوبی کپی کرد. برای این کار هم نرم افزارهای زیادی وجود دارد، اما اکثر آن ها از زبان فارسی پشتیبانی نمی کنند. به همین خاطر راحت ترین روش برای کپی کردن متن از PDF استفاده از یک سایت فارسی است. کافی است در سایت eb00.ir عضو شوید و سپس فایل PDF و یا عکس اسکن شده خود را آپلود کرده و فایل word تحویل بگیرید (البته استفاده از خدمات این سایت رایگان نبوده و تعرفه آن در خود سایت موجود است).

به همین خاطر راحت ترین روش برای کپی کردن متن از PDF استفاده از یک سایت فارسی است. کافی است در سایت eb00.ir عضو شوید و سپس فایل PDF و یا عکس اسکن شده خود را آپلود کرده و فایل word تحویل بگیرید (البته استفاده از خدمات این سایت رایگان نبوده و تعرفه آن در خود سایت موجود است).

چطور PDF را به سایر فرمت ها تبدیل کنیم؟

خوشبختانه نرم افزارهای زیادی برای تبدیل فرمت PDF به سایر فرمت ها به وجود آمده است؛ به عنوان مثال شما می توانید عکس های یک فایل PDF را از داخل متن جدا کرده و جداگانه ذخیره کنید. PDFZilla نام نرم افزاری مخصوص سیستم عامل ویندوز است که امکانات زیادی برای تبدیل PDF به انواع فرمت ها به شما ارائه می دهد. اگر هم حوصله نصب نرم افزار را ندارید، می توانید از امکانات بی نظیر سایت PDFaid.com استفاده کنید.

چطور PDF را ویرایش کنیم؟

ویندوز، که امکانات زیادی برای ویرایش یک فایل PDF در اختیار شما قرار می دهد و به کمک آن می توانید قسمتی از متن را حذف کرده و متن دیگری جایگزین آن کنید، می توانید عکس ها را اضافه کرده و یا تغییر دهید و... خلاصه اینکه محیطی شبیه به محیط برنامه word برای شما ایجاد می کند تا به راحتی به همه چیز دسترسی داشته باشید. این نرم افزار بر روی برخی از فونت های فارسی به خوبی عمل نمی کند، پس حتماً در هنگام ویرایش فایل هایتان حواستان جمع باشد که مشکلی برای فایل اصلی تان به وجود نیاید.

چطور متن PDF را کپی کنیم؟!!

با تمام این مزیت ها، چیزی که شاید همیشه در دسرساز باشد این است که از فایل PDF نمی توان متن را به خوبی کپی کرد. برای این کار هم نرم افزارهای زیادی وجود دارد، اما اکثر آن ها از زبان فارسی پشتیبانی نمی کنند. به همین خاطر راحت ترین روش برای کپی کردن متن از PDF استفاده از یک سایت فارسی است. کافی است در سایت eb00.ir عضو شوید و سپس فایل PDF و یا عکس اسکن شده خود را آپلود کرده و فایل word تحویل بگیرید (البته استفاده از خدمات این سایت رایگان نبوده و تعرفه آن در خود سایت موجود است).

بریم سینما

قاسم رفیعا

آه امروز برده حق خود کارگردان هم نمی رفت
ببینم یادم بردهم چراک دیشت سرور دست
من شگفت. رستم و سهراب به چو این کار یکبار نمی
شده بودند، به چو این خنده دار بودند. سهراب خلیل
خوشگل بود و خلیل پر زور با رستم که گلرین می شد و
به هم فخر می کردند، شو می رفتن تو زمین

هنوز خودمون سینما رو نشیده بودیم، ولی داداشم حسابی سینما رو می شناخت. یکبار من به دوستام گفتم اگه بچه های خوبی باشید به داداشم میگم مارو ببره سینما. اونا هم یهو بچه های خوبی شدند و برادرم در قبال دریافت دنگ و دونگ (یه اصطلاحی بود مال اون روزا یعنی هر کسی سهم خودشو بده) هممونو برد سینما. این بار رفتیم سینما آفریقا. یه فیلمی بود به اسم راه بی پایان. تصاویر روش آدمارو توی لباس های عجیب و غریب نشون می داد، مثلاً هم کلاه خود داشتند، هم لباس های نظامی امروزی. هم شمشیر، هم تفنگ. داداشم گفت: - من چون سینما رو می شناسم به نظرم این فیلم بهترین فیلمیه که می شه رفت، و ما هم چون سینما رو اصلاً نمی شناختیم قبول کردیم. فیلمه چنان مزخرف بود که هنوز بعد این همه سال فراموش نکردم و دوستام هنوز هر موقع می خوان خانواده مارو تحقیر کنن، می گن راه بی پایان فیلم مورد علاقه فامیل شماست! البته اسم فیلم ما همسما بود؛ یعنی از اول تا آخر فیلم این بازیگرها فقط می رفتند و می رفتند و راه بی پایان بود. نه هدفی، نه مقصدی، نه داستانی. فقط راه بی پایان بود و بس.

امروز

اولین باری که بچه ها رو به طور جدی بردم سینما که تأمل کنند، هنوز امیرعباس به دنیا نیومده بود و امیرحسین تازه از بازی تو فیلم تابستان طولانی فارغ شده بود و امیرعلی هم توی همون فیلم به صحنه ای بازی کرده بود. یعنی کارگردان ازش بازی گرفته بود. با بچه ها رفتیم فیلم جدایی نادر از سیمین. امیرعلی که در تمام مدت فیلم یکبار به پرده سینما نگاه نمی کرد، زیر دست و پای ما خاکبازی می کرد و برای خودش پوست پفک جمع می کرد. ولی امیرحسین در حالی که متفکرانه به پرده چشم دوخته بود، محو بازی بازیگرا شده بود. وقتی فیلم تموم شد از امیرحسین پرسیدم: - چطور بود بابا؟ - من که هیچ هنری توی این فیلم ندیدم! شما بفرمایید من با این بچه ها چه کار کنم که هنری، چیزی توی یک فیلم ببینند؟ بالاخره یه فیلم لایه به چیزایی داره یا نه؟ البته فیلم دستفروشو با دوستاش دید و باز هم اومد گفت: - فرهادی از دربار الی تا امروز فقط داره یک تم رو تکرار می کنه! من با این بچه چه کار کنم؟ بچه های امروز.

بچه های دیروز، بچه های امروز

بزرگم تازه سینما رو شده بودیم گرفت برای اولین بار مارو با یه سینما ببره. اول برای اینکه لوهارو نگاه نکنم، تا خود مشاهد می تعریف کرد. من فیلم ها رو گوش در عین حال تابلوهارو نگاه می کردم. آب به روتون شدم و برای اینکه یف نشه، کتشو درآورد و من شیف کردم. دایمه اومدیم چون برف اومده بود کتشو بد تا تمیز بشه و بعد رفتیم هم هنوز شروع نشده بود. د بود و ما رفتیم بالا (که لژ چهار تا پسر قد و نیم قد بودیم زده سال بیشتر نداشت. خیلی اومد که مجردهارو بفرسته پایین، ما داشتیم که بریم تو سرما. یه زن و ما نشستیم کشیدیم می کشم فیهید. غل کرد برد به زوره اومد این جور ی بعد از این همه مئه نه تخمه، اما اصلاً رفتار بوش نمی کشم. با یه محبت ره فشنگ برای ما به وجود آورد.



بارالها! باران رحمت خود را به شکل
کلمه‌های زلال آسمانی آمیخته به عطر
نارنجستان‌های سلام و صلوات نثار آن مرد
و خاندانش کن که راه رسیدن به باغ صبح
را بیدار نشستند با شعله جان خویش.
بارالها! همچنان که می‌باری و می‌بارانی
وسعت شانه‌های اهل خانه باران
رسالت را، سهمی بده ما را از جاری
نگاهشان در روز سخت تشنگی و از
کوتاهی دست‌های ما بگذر به شفاعت
دست‌های بی‌کرانه آنان. می‌دانم اینجا
خواهش بزرگی نیست وقتی تو در هیچ
واژه‌ای یا وسعتی نمی‌گنجی، وقتی تمام
آنچه در ذهن من است، ذره‌ای نمی‌شود
از پلک بر هم زدن...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ،
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ،
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَشْفِقُ لَنَا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ هُوَ عَلَيْكَ يَسِير

خدایا بر محمد و آتش رحمت فرست،
همچنانکه به وسیله او ما را هدایت
کردی، و بر محمد و آتش رحمت فرست،
همچنانکه به سبب او ما را رهایی دادی،
و بر محمد و آتش رحمت فرست، چنان
رحمتی که ما را در روز رستاخیز و در روز
احتیاج به تو شفاعت کند. زیرا تو بر هر
چیز قدرت بی‌پایان داری، و آن برای تو
آسان است.

فراز آخر
دعای ۳۱ صحیفه سجاده‌یه
برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی



مدتی است بعضی از قضات مجازات‌های آموزشی را جایگزین زندان یا جریمه نقدی کرده‌اند

تنبيه با طعم آموزش

تنبيه فرهنگی آقای قاضی

قاضی دادگاه ۲ نفر از این نوجوان‌ها را خرابکار اصلی تشخیص داد. اما به جای زندانی کردن آنها فکر دیگری کرد. آقای قاضی ۲ نوجوان را محکوم به خواندن ۳۵ جلد کتاب کرد. آن هم کتاب‌هایی که افراد خارجی درباره آمریکایی‌ها نوشته‌اند، مثل رمان معروف نویسنده افغان، خالدحسینی، به اسم «بادبادک‌باز». آقای قاضی گفت که هدفش از این کار این بوده است که این نوجوان‌ها درک بهتری نسبت به «جنسیت، نژاد و مذهب» پیدا کنند. ضمناً آنها هیچ سابقه کار خلافی نداشتند و کاملاً مشخص بود که چند نوجوان ساده هستند که تحت تأثیر حرف‌های نژادپرستانه بقیه قرار گرفته‌اند.

موضوع تمام ۳۵ کتاب ایرانی نوجوانان معلوم به مطالعه آنها شدند. درباره شرایط، برابرک قضیت، مذهب و جنات بود

نقاشی روی یک دیوار تاریخی

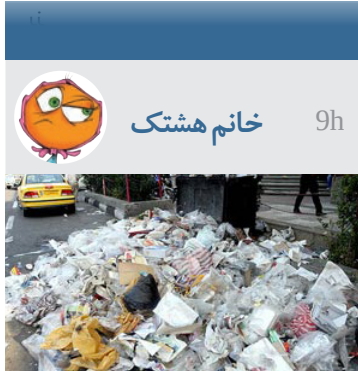
۵ نوجوان خرابکار آمریکایی روی دیوار یک مدرسه تاریخی آفریقایی-آمریکایی، گرافیتی کشیدند. به کشیدن نقاشی با رنگ و اسپری روی دیوار گرافیتی می‌گویند. البته این نوجوان‌ها جرمشان فقط خراب کردن دیوار یک اثر تاریخی و مهم نبود بلکه محتوای گرافیتی‌های آنها نژادپرستانه (طرفداری از یک نژاد و توهین به نژاد دیگر) و تبلیغ علیه آفریقایی‌ها بود. یعنی یک جرم و ۲ تنبیه که در انتظار آنها بود.



مجازات‌های فرهنگی

فیلم‌ها «۱۲ سال بردگی»، فیلم برنده اسکار است. هر کدام از این محکومان باید هر ماه یک گزارش کتاب یا مروری بر یکی از فیلم‌ها بنویسند. آنها همچنین باید درباره پیامی که در نماد نازی‌ها (نام ارتش هیتلر در جنگ‌های جهانی) پنهان است، مقاله بنویسند و از موزه تاریخ آمریکا هم بازدید کنند.

موضوع تمام ۳۵ کتابی که این نوجوانان محکوم به مطالعه آنها شدند، درباره نژادپرستی، برابری جنسیتی، مذهب و جنگ بود. «رنگ بنفش» رمان معروف آلیس واکر، «قصه ندیمه» نوشته مارگارت اتوود، «پوته آزمایش» از آرتور میلر، «پسر بومی» به قلم ریچارد رایت، «مبارزه زیبا» نوشته تانهیسی کوتس، «هزار



64000likes
View all 9100 comments

نگران نباش!
زباله‌ات را بریز...

حتماً شما نیز تا حالا درباره خودکشی نهنک‌ها یا دلقن‌ها شنیده‌اید؛ وقتی این حیوانات بیچاره دسته‌جمعی خودشان را به ساحل می‌زنند تا از بی‌آبی کشته شوند.
البته واضح است که نهنک‌ها و دلقن‌ها افسردگی نگرفته‌اند یا مثلاً دچار شکست عشقی(!) نشده‌اند که بخواهند به زندگی خود پایان بدهند، آن هم دسته‌جمعی. دانشمندان حدس می‌زنند این دسته از آبزیان به‌ساحل‌زده و ترک‌دنیا کرده یک مشکلی دارند و البته هیچ‌وقت هم درست نفهمیدند چه مشکلی. تا اینکه مدتی پیش عکسی که در صفحات مجازی و اینستاگرام منتشر شد، علت خیلی از این خودکشی‌های غم‌انگیز را معلوم کرد.

چندوقتی بود که ساحل‌نشینان آمریکایی متوجه می‌شدند که یک نهنک قصد خودکشی دارد. آنها نهنک را به دریا برمی‌گرداندند اما همان نهنک یک یا ۲ روز بعد دوباره به ساحل می‌زد. سرانجام محققان فکر کردند شاید این بیچاره مشکلی دارد. برای همین، یک بار که نهنک به ساحل زد، او را گرفتند و معاینه کردند. حالا حدس بزنید در معده این نهنک بیچاره چه چیزهایی پیدا شد؟ پلاستیک، آن هم انواع پلاستیک‌های ریز و درشت. نهنک که این پلاستیک‌ها را بلعیده بود، آنقدر دچار درد شده بود که می‌خواست به زندگی‌اش پایان بدهد.

این تصویر دردناک شاید بهترین تلنگر برای ما است که ریختن زباله در طبیعت و یا آب رودخانه و دریا اصلاً برایمان اهمیتی ندارد و حتی اگر کسی هم به ما تذکر بدهد، او را مسخره می‌کنیم و چند تا لقب پاستوریزه! نیز به او می‌دهیم. به هر حال حتی با این رفتارها نیز خطر ریختن زباله بویژه پلاستیک -که تجزیه نمی‌شود- در طبیعت تا این اندازه جدی است.

#نهنک # طبیعت # پلاستیک # زباله

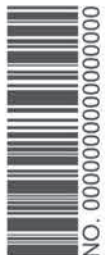
تازه پرنده‌ها هم گاهی قطعات پلاستیکی را می‌خورند که باعث مرگشان می‌شود.

واقعاً جمع کردن زباله از محلی که برای تفریح رفته‌ایم، کار خیلی سختی است؟



https://telegram.me/khosroanjom_majid

صبح که از خواب بیدار می‌شوید
با عجله و بی دقت از خانه بیرون ندوید...



«هشتکو» جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.

#هشتکو

#پسر خوشمزه‌خان

دیروز رفتم رستوران
گفتم: ببخشید آقا جوجه دارید؟
گفت: بله
گفتم بهش آب و دونه بدید، نمیره...
تا آخر خیابون با لنگه کفش دنبالم کرد

#پسر خوشمزه‌خان

خوشبختی مانند «تلفن» است!
اگر دیگران شماره‌اش را نداشته باشند،
به هیچ درد شما نخواهد خورد!
«برای دیگران آرزوی خوشبختی داشته باشید»

#استاد بزرگ

انسان‌های بزرگ هیچ‌گاه به کوچکی فردایشان نگاه بزرگ نمی‌کنند، چون از بزرگی کوچک امروزشان، فردایی کوچک‌تر از بزرگی دیروز خواهند ساخت، اینکه خودم هم معنیش رو نفهمیدم دلیل نمی‌شه جمله‌ای فیلسوفانه نگفته باشم.

#فیلسوف بعد از این

می‌دونین چرا پنگوئن‌ها بی‌سواد؟ چون همش برف میاد مدرسون تعطیله...
اگه باز هم سوآلی داشتید، بپرسید...

با من راحت باشین...

#خوشمزه‌خان

طرف بالای درخت چنار نشسته بود، یکی ازش می‌پرسه بالای درخت چنار چیکار می‌کنی؟ می‌گه: دارم توت می‌خورم
بهش می‌گه: این درخت چناره، توت نداره که؟!
می‌گه: توت توی جیبمه

#خوشمزه‌خان

آخرین جملات سوسک هنگام کشته‌شدنش توسط یک مرد، پکش... آرررره بیا متو پکش؛ تو حسودیت می‌شه از اینکه خانمت ازم می‌ترسه ولی از تو نمی‌ترسه.

#همسایه خوشمزه‌خان